

گزارشی از بازخوانی یک مطالعه جغرافیای تاریخی (سخنرانی خانم دکتر ذرّه میرحیدر در سفر به کرمان)

دکتر هادی ویسی، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور

استان و شهر کرمان در روزهای دوم تا هفتم خرداد ۱۴۰۳ میزبان سرکار خانم دکتر ذرّه میرحیدر، بنیان‌گذار جغرافیای سیاسی ایران، استاد پیش‌کسوت دانشگاه تهران و چهره ماندگار جغرافیای ایران بود. سفر خانم دکتر میرحیدر به دیار کریمان به پیشنهاد اینجانب و به دعوت دانشگاه شهید باهنر کرمان و به منظور قدردانی از خدمات علمی و فرهنگی ماندگار خانواده بزرگ میرحیدر و نکوداشت منزلت علم و اعمال نیکوکارانه آنان انجام شد. دست‌کم، نام میرحیدر در کنار نام افضل‌ی پور برای دانشگاه باهنر نامی ماندگار و جاویدان است. چرا که شادروان مهندس محسن میرحیدر (۱۴۰۰-۱۳۱۵) در میان کارهای بزرگ و ماندگارشان، طراح و معمار دانشگاه شهید باهنر نیز بوده‌اند و نام ایشان به عنوان همراه و یاور جاویدنام دکتر علیرضا افضل‌ی پور (۱۳۷۲-۱۲۸۸) و همسرش بانو فاخره صبا موسسان و بنیان‌گذاران این دانشگاه می‌درخشد. کسانی که در عصر مادی-گرایی و زراندوزی، تمام هستی و اموال خود را به خدمت علم درآوردند و وقف ساختن و تأسیس دانشگاه باهنر به منظور توسعه دانش و انسان‌سازی کردند. مرحوم مهندس میرحیدر و همسرش نیز به مانند افضل‌ی پور بزرگ در اواخر عمر تمام اموالشان را وقف دانشگاه باهنر و تابش پایدار چراغ دانش در جنوب شرق ایران کردند. خانم دکتر ذرّه میرحیدر خواهر مهندس محسن میرحیدر هستند که خود نامی ماندگار و پرآوازه در علوم جغرافیایی ایران دارند.

در این سفر، خانم دکتر میرحیدر موضوع سخنرانی خود را «گزارشی از یک مطالعه جغرافیایی» انتخاب کردند. این سخنرانی در روز شنبه ۵ خردادماه ۱۴۰۳ به میزبانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و گروه جغرافیا و با مدیریت دکتر حسین غضنفرپور در تالار اندیشه و با حضور رئیس و هیأت رئیسه دانشگاه باهنر، جمعی از اساتید پیش‌کسوت و صاحب نام دانشگاه باهنر (دکتر مهدی رجبعلی پور، دکتر سیدحمیدرضا علوی، دکتر علی مصطفوی، دکتر ماشالله ماشین‌چی، دکتر محمدرضا صرفی) و با حضور اساتید جوان و علاقمند و دانشجویان برگزار شد. گرچه استاد میرحیدر متخصص جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک هستند، اما از طرح مباحث تخصصی دوری کردند و سعی کردند موضوعی جذاب و مرتبط با کرمان و چارچوبی قابل فهم برای عموم و همه حاضران بیان کنند که در لابلای آن برخی ظرافتهای جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک نیز وجود داشت که به ذهن می‌رسید.

ایشان که دانش آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه ایندیانا ایالات متحده در سال ۱۳۴۱/۱۹۶۲ هستند، گزارشی از مطالعه جغرافیایی دره بردسیر مربوط به سال ۱۳۴۵ ارائه نمودند و برش تاریخی - جغرافیایی از این ناحیه را در ۵۸ سال پیش برای حاضرین تصویرسازی کردند. در آن زمان این محدوده جغرافیایی همان بخش بردسیر بوده که مرکز آن را مشیز می‌نامیدند. مشیز امروزه شهر بردسیر و مرکز شهرستان بردسیر است. این مطالعه در

حقیقت بخشی از یک کار تحقیقاتی تیمی و بزرگ درباره سایت باستانی تل ابلیس واقع در این دره بود که به ریاست پورفسور جوزف کالدول^۱ (۱۹۷۳-۱۹۱۶م) باستان شناس و استاد دانشگاه جورجیا امریکا صورت گرفته بود. او که دانش آموخته دانشگاه شیکاگو بود در دهه ۱۹۶۰ میلادی بر کاوشهای باستانی استان کرمان تمرکز کرد. بینش کالدول موجب دعوت از خانم دکتر میرحیدر برای پیوستن به تیم تحقیقاتی در مقام مشاور جغرافیایی طرح شد و استاد دانشگاه تهران به صورت میدانی و در کنار تیم، مطالعات خود را تکمیل کردند. این کار تحقیقاتی و اکتشافی با مجوز و تصویب هیئت وزیران در جلسه ششم اسفندماه ۱۳۴۵ و بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و هنر وقت و توسط هیئت علمی مشترک ایران و آمریکا انجام گردید. نتایج مطالعه دکتر میرحیدر در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ و تحت سرپرستی استاد فقید دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی چاپ شده است و همچنین در همین رابطه مقاله «جغرافیای درّه بردسیر» به نام خانم دکتر در کتاب مجموعه مقالات «کندوکاوی در تل ابلیس»^۲ جوزف کالدول به زبان انگلیسی در سال ۱۹۶۷ در ایالات متحده امریکا چاپ شد که این کتاب اخیراً در ایران به زبان فارسی ترجمه شده است.^۳ علاوه بر کشف اشیاء سنگی و سفالی، یکی از مهم ترین دستاوردهای کاوشهای تیم کالدول در تل ابلیس کشف آثاری از ذوب فلز مس مربوط به حدود شش هزار سال پیش بود که نشانه تمدنی مهمی در فلات مرکزی ایران بود که در قیاس با تمدن میان رودان (بین النهرین) باسابقه تر جلوه می کند.

شایان ذکر است با پیشنهاد و اصرار چهره ماندگار جغرافیای ایران که در سن نود سالگی همچنان شخصیت پرتلاش و روحیه جستجوگر و ذهن محققانه دارد، به منظور به روزرسانی و تطبیق اطلاعات و مشاهده تغییرات و با قصد تجدید خاطره، یک روز پیش از سخنرانی به شهر و دره بردسیر و تل ابلیس رفتیم. گرچه فاصله بیش از ۸۰ کیلومتری کرمان تا تل ابلیس و هوای گرم کویری روز پنجم خردادماه برای استاد دشوار بود، اما با همت و اشتیاق ایشان به بازدید تل ابلیس و شهر بردسیر رفتیم. از نگاه ایشان تغییرات قابل توجهی در جغرافیای انسانی و اقتصادی این ناحیه رخ داده بود. البته ایشان خاطر نشان کردند که گذشت ۵۸ سال زمان قابل توجهی است و برخی کشورهای همسایه ما در منطقه خلیج فارس عمری کمتری از این مقدار دارند. به گونه ای که در حدود نیم سده به درجه قابل توجهی از اعتبار، توسعه و شهرت جهانی رسیده اند.

قابل ذکر است به رغم اینکه این سایت باستانی زیر نظر میراث فرهنگی و گردشگری است اما برای این مکان تاریخی با قدمت بین شش تا هفت هزار ساله هیچ گونه حریم و حصار تعیین نشده بود و حتی هیچگونه علائم و نقشه و حتی راه مناسبی در چند کیلومتری انتهای مسیر برای دسترسی به تل ابلیس وجود نداشت و ما با دشواری و به کمک فردی بومی آنجا را پیدا کردیم.

^۱ - Joseph R. Caldwell

^۲ - Investigations at Tal-i-Iblis

^۳ - کالدول، ژوزف (۱۳۹۳)، کندوکاوی در تل ابلیس، ترجمه محمدشریفی نعمت آباد، نشر نون.

در این سخنرانی استفاده از پاورپوینت، نقشه، تصویر هوایی همراه با بیان شیوا و رسا و توجه به جزئیات بحث برای استاد پیش‌کسوتی که در نودمین سال عمر بابرکت‌شان هستند، برای حاضرین قابل تحسین و بسیار جذاب بود. چهره ماندگار جغرافیای ایران خاطر نشان کردند: «جغرافیا و توپوگرافی راهنمای مطالعه تمدنهای باستانی است». ایشان به خوبی ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی دره بردسیر را بیان کردند و مسائل دهه ۱۳۴۰ را با زمان حاضر تطبیق دادند. در عین حال، استاد میرحیدر در این سخنرانی نه به قصد اینکه جغرافیای طبیعی و انسانی دره بردسیر را به ما معرفی کنند و به قول ایشان «این کار مصداق زیره به کرمان بردن است»؛ بلکه مقصود وی نشان دادن اهمیت مطالعه دقیق علمی پدیدارها، اهمیت جایگاه کار تحقیقاتی تیمی و مشترک، ارتباط بین دانشگاهی و همکاریهای مشترک بین المللی علمی بود که متأسفانه امروزه در ایران کمتر به چشم می‌خورد. از این زاویه به حوزه مطالعات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در روابط و همکاری کشورها و اهمیت آن در عرصه جهانی نزدیک می‌شویم که می‌تواند سازوکاری مهم در تصویرسازی ذهنی جهانیان از یک کشور و ملت باشد. و شاید مقصود دیگر، نوعی نگرش فلسفی و اهمیت توأمان زمان و مکان به عنوان دو عنصر زیربنایی و جدایی‌ناپذیر در بسیاری از مطالعات رشته‌های علوم انسانی است که ما را به سمت نوعی نگاه نظامند و نگرش جغرافیای ناحیه‌ای نوگرا به تأمل وادار می‌دارد و از ریز ریز شدن و تخصصی شدن شاخه‌های علمی بدون همکاری و هم‌تکمیلی یکدیگر برحذر می‌دارد.

در روز چهارم سفر، ارائه گزارشی از رویکرد و اندیشه حرفه‌ای مهندس محسن میرحیدر توسط همکار و خواهرزاده ایشان مهندس محمودرضا مهاجرانی (فرزند خانم دکتر میرحیدر) در سالن کنفرانس سازمان مرکزی دانشگاه باهنر و با حضور هیأت رئیسه دانشگاه و مهمانان صورت گرفت. نکته قابل توجهی که در گزارش مهندس مهاجرانی ذکر شد این بود که بر اساس تفکر و اندیشه مهندس میرحیدر برای خلق یک اثر معماری بزرگ، نیاز به کار گروهی و تیمی است. بر اساس همین تفکر، مهندس میرحیدر مسئول طرح و سرپرست گروه در پروژه دانشگاه بودند. همچنین بازدید از موزه مهندس میرحیدر که به همت دانشکده معماری راه اندازی شده بود، بخش دیگری از برنامه‌ها بود. در این میان، خانم دکتر میرحیدر به همراه دو فرزندشان کتاب ارزشمند «منتخب آثار اهدایی سیدمحمود الحسینی الساوجی» که برخی از آثار خوش‌نویسی پدر هنرمندشان در آن چاپ شده بود با یادبودی که در صفحه نخست کتاب نوشتند به موزه مهندس میرحیدر اهداء کردند.

در پایان از درگاه خداوند برای دُر جغرافیای ایران خانم دکتر دره میرحیدر طول عمر باعزت و عاقبت بخیری آرزومندم و برای بنیان‌گذاران دانشگاه باهنر بهشت برین و علو درجات مسألت دارم.

هادی ویسی

۹ خرداد ۱۴۰۳